

تا به امروز همه ما به جنبه‌ی مثبت علم نگریم اما علم یک جنبه منفی نیز دارد. حیوانات زیادی در طول تاریخ به اسم علم انجام شده است. این مقاله در مورد واحد 731 (Unit 731) و اتفاقات و جنایات وحشتناکی که رخ داده است، می‌باشد.

هنگامی که اسم ژاپن (Japan) به میان می‌آید، آلمانی‌مهربان و دوست داشتنی به خاطر ما می‌آیند؛ مردمانی بسیار ملامیم و محترم که به کشور خود وفادار هستند، اما در این میان برخی آنها را آلمانی واقعا وحشی توصیف می‌کنند. اگر کمی در مورد گذشته و تاریخ ژاپن مطالعه نمایید خواهید دید که آنها اقدامات وحشیانه‌ای علیه سایر ملت‌ها حتی یکدیگر انجام داده‌اند. این قساوت‌ها تا سال‌های جنگ جهانی دوم نیز ادامه داشته است. در آن زمان آنها یک کار بسیار نفرت‌انگیز انجام داده‌اند که واقعا در این مورد از نازی‌های آلمان نیز پیشی گرفته‌اند.

واحد 731 در راس این جنایات قرار داشت. ژاپن در طول جنگ‌ها کارهای بسیار ظالمانه و دردناکی حتی علیه غیر نظامیان و اسیران انجام داده است. واحد 731 واقعا یک ساختار خاص بود. شما بدترین اقدامات و جنایاتی که می‌شود علیه یک فرد انجام دهید را تصور کنید؛ این واحد 10 برابر فراتر از تصور شما انجام داده است. با اینکه این واحد اقدامات وحشیانه‌ای علیه بشریت انجام داده اما اطلاعات آن تا سال‌ها منتشر نشده است و از باز نشر آن حتی توسط آمریکا نیز امتناع گردید. دولت آمریکا حتی از تعدادی از نفرات این واحد که جنایات فراوانی را مرتکب شده بودند، در آن زمان محافظت می‌کرد.

علت تاسیس واحد 731

در آغاز قرن 20 امپراتوری ژاپن تصمیم گرفت کل اقیانوس آرام را فتح کند، به همین علت همیشه در حال جنگ بود. ژاپن به قاره آسیا و چین حملات زیادی را انجام داد و در پایان این جنگ‌ها منچوری (Manchuria) و شمال شرقی چین را تسخیر کرد. پس از تسخیر منچوری توسط ژاپنی‌ها یک دولت دست‌نشانده به نام منچوگوکو (Mǎnzhōuguó) یا مانژو تاسیس کردند. اما امپراتوری ژاپن به این فتوحات بسنده نکرد و دائم در حال جنگ و گسترش قلمرو خود بود تا اینکه به مرزهای آمریکا رسیدند. ژاپنی‌ها جهت آمادگی برای این جنگ خواستند تا سلاح‌های خود را متنوع‌تر کنند. سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی برای اولین بار در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت و تا حد زیادی موفقیت‌آمیز بود. ژاپنی‌ها خواستار به کارگیری این سلاح‌ها شدند و حتی خواستند تا آن‌را کشنده‌تر کنند. به همین منظور در اواخر دهه 1920 آنها یک مرکز آزمایش بر روی حیوانات را در توکیو (Tokyo) تاسیس نمودند. اما وقتی این آزمایشات وحشتناک بر روی حیوانات توسط مردم شنیده شد، مردم واکنش تندی از خودشان نشان داده و خواستار اتمام این دسته آزمایشات شدند.

امپراتوری ژاپن در جهت حفظ آرامش و افکار عمومی مردم؛ به گفته خودشان این آزمایشات را متوقف کرده و آزمایشگاه را تخریب نمودند. اما در واقعیت آنها این آزمایشات را متوقف نکرده و فقط این آزمایشات دیگر در سرزمین اصلی خود انجام نمی‌شد. بهترین مکان برای ادامه این دسته آزمایشات چین و منچوری بود. چین بهترین نقطه برای تاسیس یک آزمایشگاه جدید بود زیرا هم در خارج ژاپن قرار داشت و هم پر از چینی‌ها برای گسترش آزمایشات بود. علاوه بر این در این منطقه زندان‌های زیادی قرار داشت و در این زندان‌ها پر از اسرای چینی، ژاپنی، کره‌ای و روس بود که برای انجام این دسته آزمایشات بسیار مناسب بودند.

شکل‌گیری:

در سال 1932 یک ژنرال جراح ژاپنی به نام شیرو ایشی (Shiro Ishii) در راس این واحد گمارده شد. زمانی که از بیرون به این مرکز نگاه می‌کردید این آزمایشگاه یک مرکز پیشگیری بیماری‌های اپیدمیک و تصفیه آب بود. یعنی مرکزی جهت تامین آب مورد نیاز جنگ و هم چنین ایجاد محیط‌های درمانی لازم برای بیماری‌های اپیدمی و تولید دارو بود. از سال 1932 تا 1935 وزیر دفاع ژاپن از این دسته آزمایشات و نتایج حاصل از آن بسیار ابراز خرسندی کردند و خواستار تشدید این دسته آزمایشات شدند. همچنین از سال 1935 تا 1937 این آزمایشات آنقدر موفقیت‌آمیز بود که حتی دولت ژاپن نیز از آن تقدیر کرد و دستور گسترش آن را دادند. این آزمایشات ابتدا بر روی داوطلبانی که رضایت‌نامه دادند انجام می‌شد اما با اوج گرفتن جنگ، روش کار این واحد نیز تغییر پیدا کرد.

هرچند که طبق توافق نامه 1925 ژنو (Geneva) استفاده از هرگونه سلاح بیولوژیکی و شیمیایی در جنگ ممنوع شده بود، اما با این حال ژاپنی‌ها به این تحقیقات ادامه داده و در واقع قصد داشتند تا خود را برای این سبک جنگ‌ها آماده کنند. با ادامه روند آزمایشات دیگر مردم برای این کار داوطلب نمی‌شدند و ژاپنی‌ها تصمیم گرفتند تا از اسرای جنگی برای این کار استفاده کنند و به همین علت بیشترین قربانیان واحد 731 را عمدتاً چینی‌ها و روس‌ها به همراه برخی از تبعه‌های مغولی و کره‌ای تشکیل دادند.

مطالب فوق خلاصه شده و اهم مطالب بیان شده در فیلم جنایات واحد 731 می‌باشد.

ژنرال شیرو ایشی که بود؟

ایشی رشته پزشکی را در دانشگاه کیوتو (Kyoto) گذراند. او در سال ۱۹۲۱، به عنوان افسر جراح به ارتش ژاپن ورود کرد. فعالیت‌های او در دانشکده پزشکی ارتش، آنقدر خوب بود که مقامات نظامی را تحت تاثیر گذاشت به همین علت او را برای طی مدارج فوق‌تخصص، به مدت دو سال به دانشگاه کیوتو اعزام کردند. در طول دوران تحصیل، او باکتری‌های مختلف را در ظروف گوناگون با خود حمل کرده و بیان داشت «باکتری‌ها، حیوانات دست‌آموز من می‌باشند». این کار سبب شد تا توجه اکثر کارکنان دانشگاه به سمت او منعطف شود.

ایشی در طول سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ تمام تلاش خود را به کار گرفت تا روسای ارتش را به سرمایه‌گذاری برای تولید سلاح‌های بیولوژیک راضی نماید اما مقامات برای جلوگیری از تجارب تکراری، ایشی را موظف نمودند سال ۱۹۲۸ سفری دو ساله را به کشورهای مختلف غربی آغاز کرده تا آنچه دانشمندان کشورهای پیشرفته در مورد کارکرد سموم مختلف بلد بودند، او نیز این اطلاعات را بیاموزد.

این پزشک جاه طلب در این مدت، تحقیقات بسیار زیادی در باب اثرات سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی در دوران جنگ جهانی اول و پس از آن کرد. این تور دو ساله، دستاوردهای چشمگیری را برای او و ارتش ژاپن به همراه داشت.

سادائو آراکی (Sadao Araki) وزیر جنگ دولت ژاپن تحت تاثیر ایده‌هایی که شیرو ایشی از عملکرد دولت های غربی فرا گرفته، حمایت همه جانبه خود را از این پزشک اعلام نمود. به این صورت اداره واحد ۷۳۱ یک مرکز جنگ بیولوژیک در ارتش ژاپن به او واگذار شد.

سایت: <http://aftabesalamat.com>

افراد شاخص واحد 731

1- سپهبد شیرو ایشی

2- سرهنگ دوم ریونچی نایتو (Rueichi Naito) که بنیان‌گذار شرکت دارویی صلیب سبز بود.

سپهبد ماساجی کیتانو (Massage Kitano):

3- ماساجی یک پزشک، میکروبی‌شناس و در ارتش امپراتوری ژاپن مقام سپهبدی داشت. او عنوان فرمانده دوم واحد ۷۳۱ را داشت. او در دانشگاه توکیو در رشته پزشکی تحصیل کرده و در سال ۱۹۱۹ میلادی فارغ‌التحصیلی خود را از این دانشگاه گرفت. او در سال ۱۹۲۱ به عنوان جراح و با درجه ستوانی وارد ارتش گردید و در سال ۱۹۳۲، به بیمارستان شماره یک ارتش ژاپن در توکیو منتقل شد. سپس بیمارستان مذکور را ترک نموده و سرانجام به دانشکده پزشکی ارتش رفت و در آنجا مشغول به کار شد. در سال ۱۹۳۶، او را به مانچوکوئو که بخشی از امپراتوری ژاپن بود اعزام نمودند و به عنوان استاد رشته میکروبی‌شناسی در «دانشکده پزشکی مانچو» کار خود را آغاز کرد.

در سال ۱۹۴۲ میلادی، وی را به مسئولیت فرمانده دوم «واحد ۷۳۱» گماردند. در آوریل ۱۹۴۵ میلادی کیتانو را به درجه سپهبدی ارتقاء درجه داده و او را به فرماندهی «سپاه سیزدهم پزشکی ارتش» منصوب نمودند.

پس از اینکه ژاپن در اوت ۱۹۴۵ تسلیم شد، وی را در کمپ اسرای جنگی در شانگهای به زندان انداختند. همچون سایر پرسنل واحد 731، کیتانو را نیز در ژانویه ۱۹۴۶ به کشور خود یعنی ژاپن بازگرداندند. پس از برگشت، کیتانو در شرکت داروسازی «صلیب سبز» شروع به کار کرد. در سال ۱۹۵۹ میلادی، او به ریاست این شرکت در توکیو منصوب شد. ماساجی کیتانو در سال ۱۹۸۶ در توکیو از دنیا رفت.

4- یوشیو شینوزوکو (Yoshio Shinozuko)

او در ارتش امپراتوری ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم به عنوان یک سرباز بود. همچنین در آن دوران، او به عنوان یک بهیار ارتش در واحد ۷۳۱ نیز خدمت می‌نمود. طبق اعترافات خودش، شینوزوکو در سن ۱۶ سالگی به واحد ۷۳۱ پیوسته و در انجام زنده‌شکافی و سایر آزمایش‌ها بر روی زندانیان چینی در هاربین رکت داشته است. او به مدت طولانی به عنوان یک زندانی در چین بوده و در سال ۱۹۶۵ میلادی آزاد گردیده است.

قرار بود او در سال ۱۹۹۸ در یک کنفرانس صلح در ایالات متحده آمریکا و کانادا سخنرانی نماید، اما مسئولان این دو کشور با این ادعا که او یک جنایتکار جنگی می‌باشد، این اجازه را به او برای ورود به کشورشان ندادند.

5- یاسوجی کانکو (Yasuji Kaneko)

او در دوران جنگ جهانی دوم یک سرباز نیروی زمینی امپراتوری ژاپن بود. او به سبب اعترافاتش در زمینه جنایت‌های جنگی و همچنین حضور فعالش در واحد ۷۳۱ بسیار معروف می‌باشد. وی در گفتگویی با روزنامه «جین تایمز» در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ این چنین بیان نمود: «من بیش از ۱۰۰ نفر را با شکنجه به قتل رساندم.» او همچنین بیان نمود که به تعداد زیادی چینی تجاوز نموده و آنها را سپس آنها را کشته.

او در مصاحبه‌ای با یک استاد و فعال انگلیسی به نام «یون چونگ-آن» در دسامبر ۲۰۰۰ اظهار داشت که: «زنان آسایشگر گران بودند. در نتیجه من زنان چینی را دزدیده، بعد از تجاوز آنها را به قتل می‌رساندم.»

سایت: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

قربانیان واحد 731

دانشمندان ژاپنی با اشاره به قربانیان خود به عنوان Maturas یا "الوار" یاد می‌کردند. به عنوان مثال در سخن‌های خود بیان داشتند که مثلا امروز یک ماشین حاوی 1000 الوار وارد مرکز شد و یا اینکه 2000 الوار سوخته از مرکز خارج شد. یا اینکه می‌گفتند امروز چند الوار بریده شده است؟ مردم

عادی فکر می‌کردند که در این مرکز ماشین آلات نجاری و برش چوب وجود دارند و اصلاً به کشتن افراد نمی‌اندیشیدند. اما بنا به اظهارات یک کارگر عادی این مجموعه که از ماهیت واقعی آن بی‌خبر بود، این پروژه را کارکنان داخلی‌اش، هولتسکلوتس (Holtsklots) می‌نامیدند که در زبان آلمانی به معنی «الوار» می‌باشد. قربانیان واحد ۷۳۱ را در درجه اول چینی‌ها تشکیل داده، اما در میان آنها مغول‌ها، کره‌ای‌ها و حتی زندانیان روسی نیز پیدا می‌شد. افراد جهت آزمایش به گونه‌ای انتخاب می‌شدند که تمام طبقات اجتماعی اعم از: مرد، زن، کودک، نوجوان و پیر را شامل گردد. جالب این جاست که حتی شیرخواران، افراد مسن و زنان حامله هم در میان این افراد انتخاب شده بودند. پژوهشگران این واحد برخی از نتایج تحقیقات خود را در نشریات دانشگاهی به چاپ رسانیده، آنها مقالات خود را به گونه‌ای نگارش می‌کردند که انگار بر روی پستاندارانی از قبیل میمون‌ها این دسته آزمایشات صورت گرفته است. به صورت کلی بیش از 3000 نفر در جریان این آزمایشات جان خود را از دست داده و 10ها هزار نفر نیز در آزمایشات میدانی قربانی شده‌اند.

آزمایشات واحد 731

زنده شکافی

اسرای جنگی بدون هیچ‌گونه بیهوشی به صورت زنده کالبد شکافی می‌شدند. کالبد شکافی زندانیان پس از آلوده نمودن آنان با بیماریهای مختلف صورت می‌گرفت. دانشمندان عمل جراحی را به صورت زنده انجام داده و از بیهوشی استفاده نمی‌کردند. چون از این موضوع می‌ترسیدند که اگر روی یک مرده یا فردی بیهوش عمل کنند روی نتیجه آزمایش که جهت بررسی اندام و اجزای بدن قربانی بعد از آلوده شدن توسط بیماری انجام می‌دادند تا اثرات برجای مانده را مشاهده نمایند، تأثیر گذار باشد. این قربانیان حتی کودکان و نوزادان بودند.

زندانیانی که قطع عضو می‌شدند به منظور مطالعه روی کم خونی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. گاهی اوقات نیز اندامی که به منظور مطالعه قطع می‌کردند در جهت مخالف بدن پیوند زده یا اینکه منجمد کرده تا بعد از مدتی با گرم نمودن آن اثرات حاصل از بیماری قانقاریا درمان نشده را مورد مطالعه قرار دهند. در بعضی از آزمایشات معده قربانی خارج شده و مری را مستقیم به روده وصل کرده یا بعضی اوقات قسمتی از مغز، ریه، کبد، قربانیان را بر داشته و مورد مطالعه قرار می‌دادند.

در سال 2007 یکی از جراحان این مرکز مطلبی را عنوان داشت: من در اولین باری که زنده شکافی انجام دادم بسیار استرس داشته و نگران حال بیمار بودم، اما برای بار دوم نسبت به بار اول بسیار این کار برایم راحت تر بود. برای بار سوم من خود ترفیب فراوان برای این دسته آزمایشات داشتم. او معتقد به این بود که نزدیک به 1000 نفر از قربانیان را چینی‌ها تشکیل می‌دادند.

سایت: <https://elmiha.com>

آزمایش های جنسی

به عده‌ای از بیماران واکسن‌های بیماری‌های مقاربتی نظیر سوزاک و سفلیس تزریق می‌کردند سپس قربانیان را به اجبار وادار به آمیزش می‌کردند. پس از پیشرفت بیماری، بدن فرد را مورد مطالعه قرار می‌دادند.

زنان زندانی در این مرکز را وادار نموده تا به اجبار و برای مقاصد تحقیقاتی باردار شده و مورد مطالعه قرار گیرند. به ویژه برایشان بسیار اهمیت داشت که احتمال انتقال مستقیم از مادر به جنین، در دوران بارداری مورد بررسی قرار گیرد؛ علی‌الخصوص در مورد بیماری سیفلیس که بر این باور بودند بر باروری تأثیر گذار باشد. همچنین زندانیان، مکرراً توسط زندانبانان مورد تجاوز قرار می‌گرفتند. برای محققان واحد ۷۳۱ بسیار با اهمیت بود که بدانند سیفلیس بر اعضای جنسی زنان چه تأثیراتی می‌گذارد و آیا جنین می‌تواند جان سالم به در برد یا می‌میرد. با آنکه تعداد زیادی از نوزادان در اسارت متولد می‌شدند، هیچ مدرکی مبنی بر زنده بیرون آمدن زندانیان این مرکز، حتی کودکان، در دست نیست. حدس بر آن است که زنان و کودکان زندانی را به قتل رسانده و حاملگی‌ها را با سقط جنین پایان می‌بخشیدند.

سایت: <https://jangaavaran.ir>

آزمایش جنگ افزار های بیولوژیک و میکروبی

زندانیان را تحت عنوان دروغین واکسیناسیون، با میکروب‌های بیماری‌های مختلف تلقیح و مایه‌کوبی نموده تا اثرات را بررسی نمایند. گک‌های ناقل طاعون، لباس‌های آلوده و آذوقه آلوده را در بمب‌های ویژه‌ای قرار می‌دادند و بر روی اهداف خاصی پرتاب می‌کردند. در اثر طاعون، وبا و سیاه‌زخم حاصله، در حدود ۴۰۰,۰۰۰ شهروند چینی جان خود را از دست دادند. بیماری تولارمی هم از جمله بیماری‌هایی قرار داشت که بر روی شهروندان عادی چینی مورد آزمایش قرار گرفت.

واحد ۷۳۱ و واحدهای تابعه آن (واحد ۱۶۴۴، واحد ۱۰۰ و غیره) در تحقیق، توسعه و گسترش تجربی جنگ‌افزارهای ایجادکننده بیماری‌های همهگیر، در میان شهروندان نظامی و غیرنظامی چینی دست داشتند. گک‌های ناقل طاعون را با استفاده از هواپیماهایی که در ارتفاع کم پرواز می‌نمودند، بر روی شهرهای چینی نانگبو (Ningbo) (در سال ۱۹۴۰)، چانگدی (Changdi) در استان هونان (Hunan) (در سال ۱۹۴۱) پخش نموده و هزاران نفر در اثر همهگیری طاعون خیارکی خود را از دست دادند.

احتمال دارد که روش‌ها و اهداف واحد ۷۳۱ در اندونزی هم مورد استفاده قرار گرفته باشد. جایی که یک آزمایش تجربی ناموفق جهت تأیید نوعی واکسن کزاز مورد اجرا واقع شد.

آزمایش یخ زدگی

برخی ژاپنی‌ها اینگونه بیان دارند که آزمایش‌های آنان که به «کشف شیوه‌های درمانی جدیدی در یخ‌زدگی» منجر گردید، در اصل توسط تجربیات حاصله از آزمایش‌های انسانی «واحد ۷۳۱» بوده است. در آن دوران، ژاپن خود را برای جنگ خیلی احتمالی با اتحاد جماهیر شوروی آماده می‌نمود و این یعنی که ارتش ژاپن باید خود را برای یخ‌زدگی در بسیاری از مناطق روسیه کنونی در تعداد بی‌شماری از سربازانش آماده سازد. آنها در این مرکز آزمایشات متعددی را انجام می‌دادند. آنها اسرا را به محیط سرد بیرون می‌بردند، به اعضاء مختلف بدن آب پاشیده و صبر می‌کرد تا دچار یخ زدگی شود. وقتی انجماد صورت می‌گرفت، و این انجماد از طریق چوب زدن بر روی عضو یخ زده و شنیدن صدایی شبیه به کوبیدن چوب بر روی یک تخته‌چوب شناسایی و تأیید می‌گردید یخ روی آن را تراشیده و رویش آب می‌ریختند. تأثیر آب ریخته‌شده با حرارت‌های گوناگون را با کتک زدن بیمار با استفاده از چماق بررسی نموده تا مشاهده کنند هنوز جایی از بیمار یخ‌زده باقی‌مانده یا یخ زدگی از بین رفته است. در هر صورت، بهترین روش درمان یخ‌زدگی که امروزه هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، وارد نمودن اندام یخ‌زده در آب ۵۰-۳۸ درجه می‌باشد. این روش جدید، با روش قدیمی و منسوخ «مالش نواحی مبتلا» بسیار متفاوت بود.

سایت: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

سایر آزمایشات

در آزمایش‌های دیگر قربانیان از آب و غذا محروم می‌کردند تا متوسط بازه زمانی زنده ماندن انسان بدون آب و غذا را در شرایط مختلف بدست آید. قربانیان را داخل فضایی با فشار بسیار بالا با درجات مختلف دمایی قرار داده تا میزان فشار و دما بر انسان را اندازه‌گیری نمایند. آزمایشی دیگر این بود که یکی از زندانیان را داخل دستگاه سانتزیفیوژ قرار می‌دادند تا با این روش صورت فشار وارده بر انسان در اثر چرخش شدید را اندازه‌گیری نمایند. در آخر به دلیل فشار بیش از حد فرد متلاشی می‌گردید. یا اینکه خون حیوانات مختلف را به قربانیان تزریق می‌نمودند تا مشاهده کنند خون کدام حیوان با انسان همخوانی داشته و می‌توانند استفاده کنند. قرار دادن زندانیان زیر اشعه ایکس و اخته نمودن آنها توسط اشعه ایکس، در معرض گازهای شیمیایی قرار دادن زندانیان، تزریق آب دریا برای جایگزینی برای آب شیرین و در آخر زنده به گور نمودن آزمایشاتی می‌باشد که در unit 731 به صورت بی‌رحمانه ای انجام می‌شد.

عدم افشای اطلاعات این واحد سری

در ازای افشای اطلاعات این واحد سری، آمریکایی‌ها متهد شدند تا مصونیت قضایی به پزشکان و محققان این واحد اعطا کنند. آمریکایی‌ها به دقت آنها را زیر نظر داشتند و حتی برخی‌ها نام‌های آنها را سانسور می‌کردند. آمریکایی‌ها بسیار معتقد بودند این اطلاعات بسیار کاربردی است و نباید به سایر کشورها به خصوص شوروی برسد.

بدین صورت در دادگاه جنایات جنگی توکیو تنها یک مورد از آزمایش‌های ژاپنی‌ها، آن هم تزریق سرم سمی به یک شهروند چینی مورد بحث قرار گرفت. این مورد بنا به تحریک و تلاش‌های دیوید ساتون، دستیار دادستان چین بیان شد و مورد قضاوت قرار گرفت. وکلای مدافع ژاپنی‌ها گفتند این ادعا مبهم و تائید نشده می‌باشد، در نتیجه به دلیل فقدان مدارک کافی از دستور کار دادگاه خارج شده و پرونده باز ماند. این موضوع دیگر توسط دیوید ساتون که احتمالاً از فعالیت‌های واحد ۷۳۱ بی‌خبر بوده، پیگیری نگردید.

با آنکه اتحاد جماهیر شوروی در محافل عمومی درباره دادگاه جنایات جنگی توکیو چیزی نگفت، اما ۱۲ فرمانده ارشد و دانشمند ژاپنی را که خودشان در واحد ۱۶۴۴ در نانجینگ و واحد ۱۰۰ در چانگچون اسیر کرده بودند را در سال ۱۹۴۹ در دادگاه جنایات جنگی خاباروفسک محاکمه و مجازات کردند. این دادگاه، فرمانده واحد ۷۳۱ و پزشکان آن را هم بین ۲ تا ۲۵ سال به کار اجباری در اردوگاه‌های کار و اصلاح در سیبری محکوم نمود، اما ایالات متحده آمریکا این دادگاه را به رسمیت نشناخت و آن را پروپاگاندای کمونیست‌ها دانست.

پایان کار واحد 731

آزمایش‌ها و تحقیقات این مرکز تا پایان جنگ ادامه داشته و دست از کار نکشیدند. در سال ۱۹۴۵ با ورود ارتش سرخ شوروی، کارکنان با عجله مکان را ترک نموده و به همراه خانواده‌های خود به ژاپن گسیل شدند. شیرو ایشی به تمامی افراد و کارکنان خود اینگونه دستور داده بود تا رازها را با خود به گور برده و همچنین تهدیدشان کرده بود که اگر چیزی بیان کنند به سراغشان می‌رود. او حتی به کارکنان گوش زد کرده بود که در صورت اسارت، توسط قرص‌های سیانید به زندگی خود پایان دهند.

تعداد اندکی از کارکنان باقی‌مانده در محل در روزهای انتهایی جنگ، ساختمان‌ها را منفجر نموده تا شواهد فعالیت‌هایشان در آن مرکز از کاملاً نابود شود، اما برخی مجتمع‌ها به علت استحکم بالایشان تقریباً به‌طور کامل و سالم و دست نخورده ماندند.

سایت: <https://elmiha.com>